**24 اسد 1403**

**جنیوا**

**جامعه‌ی جهانی نباید حکومت طالبان در افغانستان را عادی‌سازی کند**

بیانیه‌ی ریچارد بنت، **گزارشگر ویژه‌ی سازمان ملل برای نظارت بر وضعیت حقوق بشر در افغانستان**، لورا نیرینکیندی (رییس)، کلودیا فلورز (معاون رییس)، دوروتی استرادا تانک، ایوانا کرستیچ و هاینا لو، **گروه کاری تبعیض علیه زنان و دختران**، ریم السالم، **گزارشگر ویژه‌ی خشونت علیه زنان و دختران، علل و پیامدهای آن**، آنا پلاز نارواز، **رییس کمیته‌ی رفع تبعیض علیه زنان**، ان ماری اسکلتون، **رییس کمیته‌ی حقوق کودکان**، الیس جیل ادواردز، **گزارشگر ویژه در مورد شکنجه و سایر رفتارها یا مجازات‌های ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز**، سسیلیا م. بیلیت، **کارشناس مستقل حقوق بشر و همبستگی جهانی**، الیزابت سالمون، **گزارشگر ویژه در مورد وضعیت حقوق بشر در جمهوری دموکراتیک خلق کوریا**، گریم رید، **کارشناس مستقل در زمینه‌ی مصونیت در برابر خشونت و تبعیض مبتنی بر گرایش جنسی و هویت جنسیتی**، نازیلا قانع، **گزارشگر ویژه در مورد آزادی دین و عقیده**، پائولا گاویریا بتانکور، **گزارشگر ویژه در مورد حقوق بشر بیجاشدگان داخلی**، آسترید پونتس، **گزارشگر ویژه در مورد حق انسانی محیطی پاک، سالم و پایدار**، جورج کاتروگالوس، **کارشناس مستقل در زمینه‌ی ترویج نظم بین‌المللی دموکراتیک و عادلانه**، سیوبهان مولالی، **گزارشگر ویژه در مورد قاچاق انسان، به‌ویژه زنان و کودکان**، موریس تیدبال-بینز، **گزارشگر ویژه در مورد اعدام‌های فراقانونی، اجمالی و خودسرانه**، تومویا اوبوکاتا، **گزارشگر ویژه در مورد اشکال معاصر برده‌داری، علل و پیامدهای آن**، الکساندرا زانتاکی، **گزارشگر ویژه در حوزه‌ی حقوق فرهنگی**، نیکولاس لورات، **گزارشگر ویژه در مورد مسائل مربوط به اقلیت‌ها**، جینا رومرو، **گزارشگر ویژه در مورد حقوق آزادی تجمعات مسالمت‌آمیز و تشکلات**، آوا بالده (رییس - گزارشگر)، گابریلا سیترونی (معاون رییس)، گراژینا بارانوفسکا و آنا لورنا دلگادیو پرز، **گروه کاری در مورد ناپدیدشدن‌های اجباری یا غیرارادی**، فریده شهید، **گزارشگر ویژه در مورد حق آموزش**، ماری لاولر، **گزارشگر ویژه در مورد وضعیت مدافعان حقوق بشر**، آیرین خان، **گزارشگر ویژه در مورد آزادی بیان و** عقیده، بیاتریز میراندا-گالارزا، **گزارشگر ویژه در مورد رفع تبعیض علیه افراد مبتلا به جذام و اعضای خانواده‌های آنان**، بن سول، **گزارشگر ویژه‌ی مبارزه با تروریزم و حقوق بشر**، میکاییل فخری، **گزارشگر ویژه در مورد حق غذا**، بالاکریشنان راجاگوپال، **گزارشگر ویژه در مورد حق مسکن مناسب،** فرانسیسکا البانیز، **گزارشگر ویژه در مورد وضعیت حقوق بشر در اراضی اشغالی فلسطین از سال 1967** و مارگارت ساترثویت، **گزارشگر ویژه در زمینه‌ی استقلال قضات و وکلا.**

در طول سه سال گذشته، مردم افغانستان، به‌ویژه زنان و دختران در معرض حملات شدید و وحشتناکی بر حقوق و آزادی‌های‌شان توسط رژیمی بوده‌اند که خود فاقد مشروعیت و شمولیت است، هیچ شکلی از مخالفت را نمی‌پذیرد، جامعه‌ی مدنی و رسانه‌ها را سرکوب می‌کند و تا به امروز به شکلی فاحش و آشکارا نشان داده است که هیچ احترامی برای اصول عدالت، عدم تبعیض، برابری و حاکمیت قانون قائل نیست. وضعیت در افغانستان رو به وخامت است و اقدامات قوی‌تر و موثرتر بین‌المللی نیازی فوری به شمار می‌رود.

در سال پیش، طالبان با معرفی احکام و رویه‌های جدید تبعیض‌آمیز و تطبیق آن‌ها از طریق شیوه‌های سختگیرانه و خشونت‌آمیز، نظام ستم جنسیتی نهادینه‌شده‌ی خود را بیشتر تثبیت و تشدید کردند. از زمان به دست گرفتن قدرت تا کنون، مقامات حاکم، بیش از 80 حکم، دستورالعمل و بیانیه صادر کرده‌اند که به طور خاص حقوق زنان و دختران را هدف قرار داده و محدود می‌کند. فشار عمدی طالبان بر زنان و دختران، گسترده و سیستماتیک است و به جرایم علیه بشریت از جمله آزار جنسیتی تبدیل شده است. وضعیت به اندازه‌ای وخیم است که به گفته‌ی بسیاری از مردم افغانستان مناسب‌ترین عبارت برای توصیف آن «آپارتاید جنسیتی» است. با این حال، طالبان تاکید دارند که وضعیت زنان و دختران در افغانستان یک موضوع داخلی است.

اقلیت‌های دینی و قومی، کودکان و جوانان، افراد دارای معلولیت، زنان و مردان هم‌جنس‌گرا، دو جنس‌گرایان، ترنس‌ها و دیگر افراد دارای تنوع جنسیتی، مدافعان حقوق بشر، کارمندان صحی، معلمان، خبرنگاران، قضات، دادستان‌ها، متخصصان حقوقی، هنرمندان، مدافعان حقوق فرهنگی، مقامات پیشین امنیتی و دولتی و سایر افراد نیز در معرض نقض جدی و هدفمند حقوق بشر توسط طالبان قرار دارند. دستگیری‌ها و بازداشت‌های خودسرانه، قتل‌های غیرقانونی، اقداماتی معادل ناپدیدشدن اجباری، تجاوز و دیگر جرایم خشونت جنسی و شکنجه و بدرفتاری از جمله موارد نقض حقوق بشر توسط طالبان است. آنچه به گونه‌ی جدی موجب نگرانی ما شده، بازگشت مجازات شلاق در انظار عمومی و دیگر اشکال مجازات‌های بدنی است که معادل شکنجه و بدرفتاری است. بیش از 200 زن و مرد در سال 2024 در معرض مجازات‌های بدنی در انظار عمومی قرار گرفتند که نقض آشکار "میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی" و "کنوانسیون منع شکنجه و سایر رفتارها یا مجازات‌های ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز" است که هردو توسط افغانستان تصویب شده است. در حالیکه نمی‌توان از تلاش‌ها برای حمایت از بازگشت‌کنندگان چشم‌پوشی کرد، باید گفت یکی از نگرانی‌های ما در مورد افراد بیجاشده‌ی داخلی است؛ این افراد، به شمول آن عده از آنان که به علت حوادث طبیعی بیجا شده‌اند، با تهدید اخراج اجباری از سکونت‌گاه‌های غیر رسمی توسط مقامات حاکم روبه‌رو هستند.

در خلال بحران جاری انسانی، ما به طور فزاینده‌ای نگران تحقق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مردم افغانستان هستیم، موضوعی که نیازمند اقداماتی فراتر از کمک‌های بشردوستانه، بدون منفعت‌رساندن به مقامات حاکم طالبان است. قطع کمک‌های بشردوستانه و کمک‌های دیگر نباید به فصل دیگری از ترک کردن مردم افغانستان تبدیل شود. اکنون زمان جدایی نیست، بلکه زمان دوباره متعهد شدن با مردم افغانستان و حفظ جان، حقوق و فرهنگ آنان است.

طالبان مدعی هستند که در طول سه سال حکومت‌شان، پیشرفت‌هایی در برخی از بخش‌ها از جمله مبارزه با فساد، امنیت و مبارزه با مواد مخدر به میان آمده است و از این‌رو در سطح بین‌المللی به رسمیت شناخته شده‌اند. در وضعیتی که نقض حقوق بشر، از جمله تضعیف حقوق زنان و دختران، حذف و زیر سلطه قرار دادن گروه‌های به حاشیه رانده شده و سرکوب هر شخصی که مخالف ایدئولوژی طالبان است به گونه‌ی دوام‌دار جریان دارد، هرگونه پیشرفت واقعی تضعیف می‌شود. افزون بر این، ادعای طالبان مبنی بر اینکه حقوق بیش از نیمی از جمعیت افغانستان یک موضوع داخلی است، با تعهدات بین‌المللی افغانستان و عضویت سازمان ملل همخوانی ندارد. حقوق بین‌الملل ایجاب می‌کند که حقوق بشر و آزادی‌های بنیادی، صرف‌نظر از نظام‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، تقویت و محافظت شوند.

تاکید ما بر این است که نباید اقدامی برای عادی‌سازی مقامات حاکم صورت گیرد، مگر اینکه و تا زمانی که پیشرفت‌های اثبات‌شده و قابل اندازه‌گیری که به گونه‌ی مستقل تایید شده در برابری با معیارهای حقوق بشر، به‌ویژه برای زنان و دختران وجود داشته باشد. هر راهی که پیش روست، باید با رویکردی اصولی، فراگیر، هماهنگ و منسجم، همان‌طور که در [ارزیابی مستقل](https://undocs.org/S/2023/856) شورای امنیت مطرح شده، با معیارهای حقوق بشری مدغم شود. تلاش‌هایی که منجر به بهبود وضعیت حقوق بشر می‌شود، مورد تایید و حمایت قرار خواهند گرفت.

کشورهای عضو سازمان ملل متحد، نباید اجازه دهند که وضعیت جاری به یک «وضعیت جدید عادی» تبدیل شود، بلکه باید تلاش جامع و هماهنگی را به راه اندازند تا بتوانند سیستم نهادینه‌شده‌ی ستم جنسیتی طالبان و برخورد غیرانسانی آنان با زنان و دختران را به چالش بکشند و بساط آن را برچینند و راهی بیابند که بتوانند از قدرت خود برای پیشگیری و توقف موارد نقض حقوق بشر استفاده کنند. ما خواهان به ‌کارگیری یک «روش همه‌جانبه» با ترکیب پاسخگویی، افزایش مستندسازی، حمایت بیشتر، همبستگی، مشارکت و محافظت از مردم افغانستان، به شمول زنان و دختران، مدافعان حقوق بشر، اقلیت‌های قومی، مذهبی و عقیدتی، و فعالان جامعه‌ی مدنی هستیم.

با توجه به اینکه در افغانستان تحت کنترل طالبان، عملا مسیری برای دستیابی به عدالت وجود ندارد، لازم است راه‌های دستیابی به فرایندهای عدلی بازمانده‌محور شناسایی و سپس تقویت شود. ما از محکمه‌ی بین‌المللی جزایی می‌خواهیم که تحقیقات خود در مورد افغانستان را با هدف صدور سریع کیفرخواست‌ها در صورت وجود شواهد کافی و قابل قبول، پیش ببرد. همچنین، از تلاش‌ها برای طرح دعوی علیه افغانستان در دادگاه لاهه (دیوان بین‌المللی دادگستری) به دلیل نقض کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان و سایر اسناد مربوطه، حمایت می‌کنیم.

در نظر گرفته‌شدن حقوق بشر و صدای افغان‌های غیرطالب، به ویژه زنان و اعضای اقلیت‌های دینی و قومی و سایر اقلیت‌ها و جوامع به حاشیه رانده‌شده، در فرایندهای سیاسی و تعاملات دیپلماتیک به طور کامل، موضوعی است که ما بر اهمیت آن تاکید می‌کنیم. این مشارکت باید معنادار و منسجم باشد و ایمنی و امنیت آنان را در اولویت قرار دهد. ما همچنین به تمامی بازیگران بین‌المللی، تعهدات‌شان در قبال زنان، صلح و امنیت تحت قطعنامه‌ی 1325 شورای امنیت سازمان ملل متحد را یادآوری می‌کنیم.

به‌عنوان گام بعدی، رعایت استانداردهای قابل قبول در مشاوره، نمایندگی و شفافیت برای بازسازی اعتماد میان افغان‌ها و تضمین اعتبار و پایداری تلاش‌ها به سوی افغانستانی پایدار و فراگیر و از نگاه اقتصادی با دوام که با خود و همسایگانش در صلح باشد، ضروری است و ما آماده‌ی ارائه‌ی کمک در این راستا هستیم.

مردم افغانستان سزاوار زندگی در کشوری هستند که در آن حقوق، کرامت و انسانیت همه افراد رعایت و محافظت شود. اکنون بیش از هر زمان دیگری نیاز است که جامعه‌ی بین‌المللی با اقداماتی قوی و مؤثر، خواسته‌های آنان را با افزایش حفاظت، حمایت و همبستگی برآورده کند.